

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه چهارم فروردیه ۱۳۱۲ هـ (غره ربیع الاول ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- | | |
|---|---|
| ۱ (تصویب صورت مجلس | ۵ (شور اول لایحه مجازات کسانی که چک بلا عمل صادر میکنند |
| ۲ (تقدیم چند فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه | ۶ (شور اول اجازه تهیه نظاماتی برای حل اختلافات در لرستان |
| ۳ (معرفی کنیل وزارت معارف | ۷ (شور اول لایحه تعیین تکلیف طلب صاحبان مهیاخانه ها از مشتریان |
| ۴ (شور و تصویب لایحه اختیارات کمیسیون عدلیه | ۸ (موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز بیست و هشتم خرداد ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند هـ هـ

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (نمایندگان - خبر) صورت مجلس تصویب شد
 ۲ - تقدیم چند فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه |
 رئیس - آقای وزیر عدلیه فرمایشی دارید ؟
 وزیر عدلیه (آقای داور) - یکی لایحه اختیارات کمیسیون عدلیه است که در جلسه پیش خواستم تقدیم کنم مجال نشدو حالا تقدیم میکنم باقی دو فوریت برای اینکه آقایان سابقه دارند از این لایحه چه در دوره های گذشته وجه در فراکسیون در اطراف این لایحه صحبت کردیم بنابر این می شود که فوراً الآن مطرح کنیم و لوایح دیگری

است تقدیم میکنم که به کمیسیون فرستاده شود و بعد هم البته خبرهایی که از طرف کمیسیون عدلیه داده شده است تمنا میکنم که جزو دستور امروز گذاشته و مطرح شود
 ۳ - معرفی کنیل وزارت معارف و اوقاف |
 رئیس - آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارید

رئیس الوزراء (آقای حاج مهدیقلی خان هدایت) آقای یحیی خان وزیر علوم سابق خیلی مزاجش کسل شده بود و تققداً او را اغلب حضرت معاف کردند از زحمت خدمت که مشغول معالجه شود و آقای محسنی معین شدند بکفالت وزارت معارف که بحضور مجلس معرفی می شوند (صحیح است)

هـ هـ عین مذاکرات مشروح بیست و سومین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دائرة تدوین و نویسی و تقریر صورت مجلس

هـ هـ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : نهلای - محارمی - بقوانی - حاج میرزا حسنخان امینداری - مسعود تائبی - حبیبی - طباطبائی بروجردی - یونس آقا وهاب زاده - لاریجانی - موخر - قوام - شریعت زاده - چایچی - در آمد گلان بی اجازه - آقایان : رهنما - بیات - طهرانچی - کورسی -

۴. فوراً تصویب لایحه اختیارات کمیسیون عدلیه | رئیس - لایحه اختیارات کمیسیون عدلیه قرائت میشود: ساحت محترم مجلس شورای ملی نظر باینکه مقتضی است قسمتی از لوایح پیشنهادی وزارت عدلیه قبل از اینکه در مجلس شورای ملی طرح و تصویب گردد مطابق سوابق موجود در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح و بعد از تصویب کمیسیون بموقع اجراء و آزمایش گذاشته شود تا پس از رفع نواقص ثانیاً به مجلس شورای ملی پیشنهاد گردد لذا ماده واحده ذیل راجع به اختیارات کمیسیون قلمی قوانین عدلیه باقی دو فوریت پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می شود.

ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرده و بمنابید پس از تصویب کمیسیون قلمی قوانین عدلیه بموقع اجراء گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید لوایح مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع به کمیسیون بدهند و شور دوم بمدت اقصاء هشت روز بعمل آید

رئیس - فوریت مطرح است (مخالفی نیست) موافقین با فوریت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است مخالفی نیست (خبر) آقایانیکه با فوریت ثانی موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است. آقای قوی می

پهلوئی - چون اختیاریکه بکمیسیون عدلیه داده میشود برای اینست که لوایح را پس از شور و تصویب بوزارت عدلیه بفرستند که بطور آزمایش بموقع اجرا بگذارند و البته در ضمن آزمایش اصلاحاتیکه لازم است ملاحظه خواهند کرد و مجدداً هر طور که مقتضی باشد بمجلس تقدیم خواهند نمود اینست که بنده چند کلمه مختصر لازم است عرض کنم ناظم محترم آقایان اعضاء کمیسیون عدلیه مسبق و مستحضر باشد وهمانکه بدانم آقای

وزیر عدلیه مایل هستند که هر کس هر چه بنظرش میرسد عرض کند که در ضمن آزمایش قوانین آن نظریات را رعایت نموده مورد توجه قرار دهند یکی از مسائلی که قدری کارهای عدلیه را مورد تنقید قرار میدهد بطور جریان کارها است یعنی هر قضیه که رجوع می شود بمسئول بقدری طول میکشد که شاید غالباً طرفین دعوی فراموش میکنند یا از بین می روند و این بطور زیاد جریان خیلی وسیله بدست اشخاص میدهد که خیال کلاه برداری یا مال مردم خوردن را بنمایند و در طول این جریان اغلب قضیه از بین می رود و آنها هم بمقصود خودشان میرسند یکی از دلایل این بطور که لازم است آقای وزیر عدلیه به آن توجه فرمایند تقلیل محاکمات است محاکم عدلیه در مقامات بالا قدری نیست که بتوانند امور را زود بگذرانند مثلاً در تبریز که منحصراً در طهران است يك شعبه برای امور جزائی و جنائی ایجاد شده است تمام امور جزائی و جنائی مملکت بالاخره در مرحله تبریزی باید باین يك شعبه برود که گاه می شود دو سال سه سال طول میکشد تا تکلیفش معلوم شود قانون تسریع محاکمات هم گذشته است که اگر يك مدتی گذشت خارج از نوبت رسیدگی کنند ولی همان موقع معین هم عده که می توانست این تقاضا را بکنند بقدری زیاد است که باز خود آنها چند ماه وقت لازم دارد بنابراین آقای وزیر عدلیه لازم است برای محکمه نیز که مخصوصاً منحصر است در طهران اقلتاً یکی دو شعبه اضافه فرمایند که کارها معوق ننماید و زودتر بگذرد و همینطور در شعب استیفاء حالا در اینجا قدری افراط و تفریط می شود برای اینکه در شعب استیفاء که کارها را زودتر میخواهند بگذرانند غالباً بدون مراجعه بسوابق و دوسیه يك رأی میدهند و خیلی اتفاق می افتد که غلط درمی آید. در شعب نیز بالعکس برای اینکه دقت کند و تمام سوابق دوسیه را از نظر بگذرانند طول میکشد و افراط و تفریط هر دو این مقامات غالباً موجب این می شود که حقوق مردم تضییع می شود و اگر یکی چند شعبه به آنها بقرانند تصور میکنم قدری امور بهتر بگذرد و کار پیشتر می رود و اشخاصی هم که در این طول مدت استفاده میکنند دیگر موقع بدستشان نخواهد آمد و همینطور يك عیب دیگر هم آن

مراحل و تشریفات مختلفی است که در قوانین اصول محاکمات است که آنها بیشتر اسباب بطور جریان می شود مثلاً اول یکمدتی راجع به صلاحیت محکمه و چیزهای دیگر صحبت می شود بعد حکم صادر می شود و در يك مرحله دچار محذور می شود بعد باید برگردد و این تشریفات زیاد همه وسیله میدهد بدست آن طرفی که می خواهد استفاده کند حالا البته بنده داخل جزئیات کار نمی شوم همینقدر بطور اختصار خاطر آقای وزیر عدلیه را مستحضر میکنم که این جریان محاکمه اسباب بطور و طول محاکمه می شود و وسیله میدهد بدست طرف که هر قدر ممکنست کار را عقب بیندازد نتیجه این می شود که هر کس بخواهد مال مردم را بخورد و اسباب زحمت بدست کند و کلاه برداری نماید بتواند این است که استدعا میکنم آقای وزیر عدلیه و آقایان اعضاء کمیسیون عدلیه این موضوع را مخصوصاً مورد توجه قرار بدهند.

وزیر عدلیه - اولاً بایستی عرض کنم همانطور که خود نماینده محترم فرمودند بنده نتنها هیچوقت از تذکر راجع بکارهایی که مربوط بدلیه است دلنگ و مکدر نمی شوم بلکه بالعکس بدون تعارف خیلی خوشوقت میشوم برای اینکه ممکن است در ضمن تذکراتیکه داده می شود انسان يك نکاتی بر بخورد و بالاخره يك تقصیری را کمتر بکند و يك عیبی را رفع کند و بعد از این مقدمه گمان میکنم این عراضی را که عرض میکنم باور فرمایند و تصور فرمایند که نظرم این است که خواسته باشم مدافعه از يك صحبتی کرده باشم و جوابی داده باشم برای این که جوابی داده باشم. آقای قوی می دزد را فرمودند پلی دزدی هست اختصاصی هم بایران ندارد این راهم ادعا میکنم و اگر خود ایشان یا اشخاص دیگری اگر میل داشته باشند يك قدری صرف وقت فرمایند با اسناد برایشان ثابت میکنم که بطور بالای عمومی عدلیه ها است شما دو اصل است در دنیا که اینها را نمی شود با هم جمع و تلفیق کرد یکی اطمینان یکی سرعت. هر وقت در هر جا خواستند يك امری را خیلی بدقت رسیدگی کنند و بالاخره از نتیجه اطمینان کامل داشته باشند طبعاً يك مرحله قائل خواهند شد و يك رسیدگی ها و تشریفات را باید منظور بدانند که همه اینها موجبات بطور است

آنوقتیکه در این مملکت یاد سایر نقاط دنیا قبل از اینکه تمدن قلمی بالاخره ریشه پیدا کند می رفتند پیش يك شخصی که ما نایب فتح الله اسحق را گذاشته بودیم آنجاها شاید يك اسم دیگری داشت و او يك رسیدگی اجمالی میکرد و يك پس گردنی باو میزد و میگفت برو بعد روی همدیگر را ببوسید و اینها زود فضاها را رسیدگی و ختم میکردند الا آنها ممکن است اگر بخواهیم اصل سرعت را باین نحو قبول کنیم یا کمال سهولت می شود يك چیزی را بشما عرض کنم ما خودمان يك قسمتی را داریم همین صالح ناجیه خیلی بسهولت کار میکند باور فرمایند که یکی از اینها که اخیراً محکوم شد در تعقیب انتظامی قریب ده هزار حکم صادر کرده بود تصدیق فرمایند این فوق العاده است اما جد محکوم شد حالا بطور میکند طرفین را فوراً احضار میکند و همانجا حکم حضوری میدهد بدون ملاحظه دوسیه و اینها فقط در دفترش یاد داشت میکند تمام می شود و می رود و باین نحو قطع میکند مطابق قانون هم هست چاره هم نداریم اما اگر بنا شد شما خواهید تمام دعاوی را باین صورت بیندازید آیا ممکن است با اینکه يك مملکتی بگوید برای دعاوی کوچک مختصری که بالاخره صحبت سر این است که ده تومان برود از جیب این بچیب او ما برای این يك مراحل استثنائی و تمیزی درست کنیم این برای مملکت گران تمام می شود ولی بالاخره در تمام امور که نمی شود این حرف را زد همه جا آمده اند تسهیل کرده اند و خود بنده هم نمیخواهم ادعا کنم ولی میخواهم انصاف خود آقایان را کمک بگیرم که بنده هم سعی میکنم که هر قدر ممکن است کاری بکنم که بطور کمتر شود ولی نه بطوری که میفرمایند و باین معنی که بگویند. این مجال است برای اینکه هر قدر بخواهیم از این کاسته شود از اطمینان کاسته خواهد شد بالاخره شما می توانید يك کارهای بکنید که بسرعت رسیدگی کند ولی شاید بجای اغلب مطلوب باشد. بنده يك مثالی دارم در نظامنامه ترفیفات وزارت عدلیه بنده نوشته بودم که از يك حدی در سال اگر قاضی کمتر حکم بدهد قابل ترفیع نیست ولی الا آن دارم ازین می برم برای اینکه روی این اصل قاضی نظرش این است که زودتر کار بکند و این غلط است

برای اینکه البته با سرعت اهویت بدهیم ولی بالاتر از آن حقیقت است که باید اهمیت بدهیم حالا اینجا این را ببخواهم عرض کنم مطلبی که فرمودند این طرز بیانی است که ناطقی البته مثل ایشان باید این بیان را بکند منتهی يك قدری با مبانه که فرمایند بقدری طول میدهند که طرفین دعوی فراموش میکنند یا اینکه از دنیا میروند اینطور نیست برای اینکه بنده هم بالاخره احصایه دارم تصور تر میاید که بنده می آیم در مجلس و خدمت آقایان وقتی میکنند و بعد هم تمام شد و رفت خیر اینطور نیست بنده همیشه هر قانونیکه میگردد چه بوسایل نقیض چه از راه شکایاتی که از اشخاص میکنند چه بوسیله احصایه بنده منتظم که به بینم تأثیر این قانون چه بوده. آزمایش راستی راستی و واقعی است نه اینکه حرف باشد به بینم آیا آن تأثیری که میخواهم داشته و آنچه اندازه داشته و کار کجاها کبر می کند و بالاخره مسئله سرعت راهم با شهادت دوسه های عدله الا آن مقایسه فرمایند نسبت بشش هفت سال قبل جز در موارد استثنائی که شاید پیش آمد می شود يك دعوائی که در همه جا اتفاق می افتد يك چیز خیلی قابل توجه و واقعا عرض کردم این کار خود بنده نیست و کار خود محاکم است و واقعا قابل این است که یک قدری اظهار رضایت بشود. در عدله شما کمتر ممکن است در محاکم بدایت مسائلی عادی الا آن در طهران پیش از دوسه ماه طول بکشد اما اگر يك دعوی ازنی پیدا شد بین یکمده و هر کدامشان يك ادعای داشتند و يك صلح نامه آوردند هزارتا استشهاد سابق را آوردند هزار گونه قباله ساختگی و ساختگی و ادعای جعل پیش آمد و بنام رسیدگی شود این جور کارها البته طول میکشد و چاره هم نیست بنده خاطر می آید یکی از محاکمات خیلی معروف در یکی از ممالکی که ما خیلی از قوانین را از آنجا گرفته ایم وقتی که بناریختن رسیدگی کردند و حساب کردند بیست و دو سال طول کشیده بود و تصور فرمایند که در خارج شما يك کاری که داشته بود از دو ماه توأم می شود خیر اینطور نیست نمی شود کاری کرد که باوجود اطمینان یک قدری بیشتر از این سریعتر بشود ولی عرض میکنم که این را باید فکر

و بالاخره يك خیالی نمی شود انجام داد این راهم باید آزمایش کرد و دید عیب در کجاهاست بنده يك مثالی عرض میکنم: در قانون اصول محاکمات ما آدمی يك تغییراتی دادیم يك مواردی را که می بی خود استیفاء و نیز میدادند و در قانون بود بنده حذف کردم البته خیلی هم مؤثر بود يك مرتبه بنده ملتفت شدم که يك عده از وکلا از ارپاب دعاوی اینها می آیند و بر هر دعوائی که در محکمه اقامه می شود ادعای مرور زمان میکنند و عوال که شاید مال دوسال پیش از این است و مرور زمان چهل ساله باید در بعضی موارد شامل آن بشود فوری به آن دعاوی ایراد مرور زمان میکنند ایراد مرور زمان هم از آن ایرادهائی است که باید رسیدگی بشود قبلا در بدایت بشود و بعد وارد کار شود بنده آدمی يك متحد المالی دارم که هر وکیل که معلوم شد ایراد مرور زمان میکند بر ربط یعنی روپاش این است چون البته در يك موردی ممکن است او بر ربط بداند ولی محکمه تشخیص بدهد که خیر. ولی روپاش را بر این فرار بدهد که بخواهد از این راه بطور جریان حاصل کند ممنوع الو کاله خواهد بود برای چه بوده است؟ برای بطور جریان بوده است بعد متوجه شدم آقایان و وکلا راه دیگری را پیدا کردند که ایراد مرور زمان را میدهند بموکلانشان اجزاء کنند حالا بنده راهی را پیدا کرده ام برای این کار ملاحظه کنید آرزوی که ما آدمی در کمسیون عدله و مرور زمان را رد و قبولش را هر دو را گفتیم که بعد باید رسیدگی استیفاءی و نیز می شود اگر طرف تقاضا کند آیا بی فلسفه بوده است؟ يك مصالحی درش بوده است ولی وقتی در عمل دیدیم گیر کرد باید جلوگیری را گرفت ولی از طرف دیگر این را هم باید عرض کنم که در عین این که عقیده بنده این بوده و عمل هم کرده ام و حالا هم تصدیق دارم معذرت خیلی نباید زیاد پشت سر سرعترفت. برای این که سرعت زیاد اساس کار را خراب میکند. کسی عده محاکم را فرمودند بنده تصدیق میکنم البته (شما طهران را میفرماید چون در این جا هستید) ولی بنده ولایات را عرض میکنم که بیشتر احتیاج دارند در يك جایی که يك محکمه دارد و بایستی این محکمه تمام دعاوی حقوقی و جزائی و صلح و بدای را رسیدگی کند

خوب يك نفر آدم هر قدر هم بخواهد صرف وقت کند يك مدتی طول خواهد کشید زیرا يك احد معنی میتواند کار کند و مسلم است که این کارها می آید و متراکم می شود بنده در طهران را گفتم شعب بدایت وقتی در محاکم برای تعیین وقت بیست روز بیست و پنج روز میماند ولی در ولایات گاهی نوبه میرسد به چهار ماه و پنجماه خوب از آن طرف هم به بینم آیا این برای مملکت عملی است که در هر جا که تشکیلاتی دارد آن تشکیلات را بتواند خیلی بهای بدهد تنها از نقطه نظر پول هم نیست اشتباه فرمایند بنده ناین ساعت از برایم هنوز اتفاق افتاده است که پولی لازم شده باشد از برای عدله و به بینم برای مصرف صحیحی می توانم خرج کنم و از دولت خواسته باشم و نداده باشند بنده آقا باید اسباب کار را تهیه کنم و آماده کنم آنوقت پول را بگیرم و خرج کنم بایستی باندازه که در این مملکت آدمی که قابل اطمینان باشد پیدا کرد و گذاشت و گفت قاضی باشد بعد عادی ناین اندازه آدم تهیه بکنیم آنوقت بنابر این باید صبر داشته باشیم اگر آقا تصور میکنید که نسبت به چند سال پیش تغییری نکرده است وضعیت آنوقت ممکن است بنده شما را وارد در جزوات بکنم و وارد در تشکیلات و بشری بشویم ولی چون میدانم که خودتان این عقیده را ندارید بنابر این باید مجال و مهلت بیشتری به مملکت داد تا این که آدم تهیه بکند و وسائل تهیه بکند که بهمان تناسب بتواند پیش برود. بنده ترجیح میدهم که عدله در يك جایی باشد و تشکیلاتی نداشته باشد تا این که يك کاری درست در نیاید. شعب نیز فرمودید مثلا در طهران شما در شعب حقوقی نیز کارتان الا آن خیلی کم طول می کشد نوبه در بعضی از شعبها دو ماه و سه ماه است و این از برای شعب نیز يك نوبه و مدت خیلی کمی است هیچ جای دنیا نیز این جور وقت نمیدهد و نمیرسد ولی بدیخانه در شعبه جزائی نیز الا آن نوبت رسیده است يك سال و نیم و به بینم مناسب است که بنده آدمی و يك لایحه هم تهیه کردم يك لایحه بودجه و بوزارت مالیه هم رفته است که از مازاد عایدات ثبت اسناد (از صدی بیست و پنج) يك شعبه نیز می اضافه کند بر جزایات همینطور وقتی که شعب

حقوقی در دوسال پیش نوبه اش زیاد شد بنده اقداماتی کردم عمل کردم و بوسیله قوانین این را دونا پیش کردم. اما اینکه فرمودند بعضی از احکام از شعب استیفاء بدون مطالعه صادر می شود خوب ممکن است این را بگویند ولی آن کسانی که حکم را میدهند این عقیده را ندارند و خیلی هم مطالعه کرده اند (صحیح است) و برای این قبیل احکام اگر حد نقضش را بگیریم در نیز نسبت بسایر نقاط عالم که چه میزان قض می شود يك حد زیادی نیست (صحیح است) مهذا هیچکدام از این حرفها را حمل باین فرمایند که بنده از کار خودم خیلی راضی هستم و تصور فرمایند که بنده يك آدمی هستم تر باصلاح عامیانه که تا امروز صحبت این می شود که عدله نواقصی دارد بطور جریان دارد فوراً در مقابل آقایان بنده با هزار صحبت و بیان نمی کنم فرمایش آقایان را و يك جوابی داده باشم که خیر اینطور نیست و هیچ قسمی ندارد. نه البته بگویم هم هست و البته باید بعضی را از راه قانون و بعضی را از راه زمان اصلاح کرد ولی اگر از آن طرف هم ما بخواهیم خیلی سرعت در کار بیاوریم آنوقت آن اصلی را که بالاتر از هر اصلی است در کارهای عدله و آن عبارت از این است که حکم ناممکن است همیشه نزدیک بحقیقت و واقع باشد و تا می تواند احراز حقیقت و واقع را بکند و این حصول اطمینان عرض کردم با سرعت يك قدری غیر ممکن بنظر می آید (صحیح است - احسن) و باید يك قدری با تأمل رسیدگی کرد باوجود این حال خیلی تشکر می کنم از نماینده محترم برای اینکه این توضیحات و تذکرات را دادند که اولاً بنده مجال پیدا کردم که این فکری را که در کله ایشان و شاید عده دیگری افتاده است و تذکر دادند توضیح بدهم اساساً آقا مملکت مملکت کم حوصله است زیرا در اموری که مربوط بدیگری است خیلی کم حوصله است ولی در اموری که خودش باید بکند خیر (صحیح است) بالاخره باید همه مردم این را بداند و بواش بواش عادت بکند که آنوقت که میرفتند پیش يك نایب فرسخانه یا يك ایب الحکومه یا حاکم و اودستور میداد فوراً این را تمام کنید و عمل می کردند آن دوره گذشته است و حالا دوره قانون و دقت است (صحیح است)

و البته این معایب هم يك كسى در كار پیدا خواهد شد و طول خواهد کشید و بهلاوه این راهم فراموش فرمایند که در آن دوره هاهم کار تمام نمی شد برای این که نایب علی اکبر خان کار را تمام می کرد نایب علی اصغر خان که می آمد دومرتبه از سر می گرفت (خنده نمایندگان - صحیح است) این وزیر عدلیه تمام می کرد يك وزیر عدلیه دیگری که می آمد دوباره از سر می گرفت مالا آن در عدلیه احکامی داریم از زمان نظام الملک که الا آن دارند رویش دعوی می کنند و بعد از او چند نفر دیگر همینطور که تا بحالا کشیده شده این هم هست (صحیح است - مذاکرات کافی است)

رئیس - آقایانیکه با ماده واحده بوضعی که قرائت شد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. آقای وزیر عدلیه بکدام يك از این توابع تان بیشتر اهمیت میدهد؟

وزیر عدلیه - علاوه بر دو سه خبر هم داده شده هر کدام که آقایان بپسندیدند فرقی نمی کند برای بنده

۵ - شورای اول لایحه مجازات - اینکه چك بلا محل صادر میکنند

رئیس - خبر کمیسیون عدلیه راجع بکسانیکه چك بلا محل صادر می کنند مطرح است قرائت می شود:

خبر از کمیسیون عدلیه بمجلس مقدس شورای ملی:

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۸۶۵۲ دولت را راجع بمجازات اشخاصی که بدون داشتن محل چك صادر می کنند با حضور آقای وزیر عدلیه تحت شور و مذاقه قرارداد داده یا لاخره ماده واحده پیشنهادی را بشرح ذیل (اصلاح و اینک برای شور و مطالعه آقایان نمایندگان

محترم تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینماید:

ماده واحده - ماده ذیل در تحت نمره ۲۳۸ مکرر بقانون مجازات عمومی افزوده می شود:

ماده ۲۳۸ مکرر - الف - هر کس بدون داشتن محل اعم از وجه نقد یا اعتبار چك صادر نماید بجزای نقدی معادل

عشر وجه چك محکوم می شود و اگر محل کمتر از مبلغ چك باشد جزای نقدی به نسبت تفاوت بین محل موجود

و مبلغ چك اخذ خواهد شد و در هر میزان جزای نقدی نباید کمتر از دو پست ریال باشد.

ب - هر کس از روی سوء نیت بدون محل و یا بیشتر از محلی که دارد چك صادر کند و یا پس از صادر کردن چك تمام یا يك قسمت وجهی را که باعتبار آن چك صادر کرده بنحوی از انحاء از محال علیه پس بگیرد بچس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و بنادبه جزای نقدی که نباید از دو برابر وجه چك بیشتر و ربع آن کمتر باشد محکوم خواهد شد.

جرائم مذکور در فوق بدون شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب نیست. استرداد شکایات در مورد (الف) این ماده در تمام مراحل مانع تعقیب و مجازات است.

هر گاه صادر کننده چك در ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهاریه رسمی یا از تاریخ ابلاغ اعتراض نامه وجه چك را نپردازد سوء نیت او محرز است.

رئیس - آقای کازرونیان -

کازرونیان - بنده در خارج هم در این موضوع باقی وزیر عدلیه مذاکره کردم جواب فرمودند که چك ها غالباً در حکم نوت و اسکناس می باشد در صورتیکه این مسئله یکی از خصوصیات بانکهاست که دارای خزانه و پول نقد هستند و تجارت دارند و شغل آنها فقط صرافتی است

نه تجاری که خزانه ندارد و مال التجاره دارد و اساس کار او فقط از روی اعتبار است البته تصدیق خواهند فرمود چنانچه يك وقت یکی از چكهای او نکول شد

و گرفتار جریان قانونی گردید اعتبار او بکلی ضایع و از دست خواهد رفت علاوه بر این اصلاً اینطور که بنده تصور می کنم هیچ این مسئله مورد احتیاج نیست آیا قبل از این چه مالی از مردم گرفتار تصبیع این مسئله شده است

که چكهایی که نکول شده باشد پولشان از بین رفته باشد؟ گذشته از این اصلاً در تجارت خانه و بانکها این طور معمول است که چكي که بانک از تاجر بگیرد آن را در حکم پول حساب نمی کند و وقتی چك را گرفت

فوری برات یا سندش را رد نمی کند و امانت می گذارد و وقتی چك را بردیش بانک شاهی یا بانک ملی پولش را گرفت آنوقت می آید براتش را مسترد می کند و پولش

را همش میدهد. پس در وضع این قانون جزاینکه هناك احترامات يك تجارخانه شده باشد و يك تجارخانه در انظار موهون شده باشد بنده فایده دیگری برش نمی بینم

وزیر عدلیه - بطوری که بیان کردید در خارج چك هم اینگونه محترم در این موضوع پاینده صحبت کردید و همانطور که این جا ظاهر کردند می فرمودند که خوب اگر من آدم يك تاجر می بودم و يك چكي داد و بردند و ندادند و پرداخته شد خوب چه اهمیتی دارد این باید و پولش را بگیرد از تاجر بنده بهشان عرض کردم که آقا فقط

اختلاف در طرز فکر شما و بنده است يك سلیقه و فکری است در شما و يك سلیقه و فکری است در من مثل اسکناس و در حکم آن باشد ولی شما چك را مثل يك حواله میدانید که بر تاجر طرف قولی نوشت که مقبر است. اگر قوتش که باید و از صاحبش از صادر کننده اش بگیرد و این دو تا فکر البته با هم جمع نمیشود

حواله يك معینی است جداگانه در قانون مدنی هم تکلیفش همین شده است مردم هم تکلیفشان را میدانند که حواله را که بردند ممکن است طرف قبول کند ممکن است رد کند ولی چك آقا مثل اسکناس است (صحیح است) وقتی که بنده دادم طرف باید بداند که این پول

است (صحیح است) الا آن هم مردم وقتی که چك میگیرند آن را مثل اسکناس میدانند (صحیح است) ما بالاخره باید کاری بکنیم که مردم عادت کنند بچدی بودن بنده يك عقیده دارم در این خصوص و هفت سال هم هست که در وزارت عدلیه هستم در تمام قوانین هم نگاه کنید تمام این مدت در این عقیده و فکر بوده ام که باید اهل این مملکت بدانند که کار جدی است و يك اموری است که ممنوع است و نباید مرتکب شد و اگر مرتکب شدند آدم بد می بیند يك اموری است که اگر آدم بخواند به آن برسد باید موافق يك تشریفاتی عمل کند سند باید چطور تنظیم شود وقتی سند رسمی بدهد در موقع پرداخت اگر پرداخت و باز ابلاغ شد و نداد هر کس باشد در روز همین می روند اگر نداد چس می کنند. می بردند در توقیفه گاه و توقیفش می کنند و صد هزار تومان مالش را ممکن است در حراج بده هزار تومان بفروشند. باید

مردم بدانند که وقتی آدم يك حرفی را زد این حرف باید اعتبار بدهد (صحیح است) بنده خیال میکنم آقا هم اگر بگفتند در دلائل بنده دقت فرمایند موافق می شوند چرا؟ برای اینکه می فرماید تاجر باید محترم باشد بسیار خوب بنده هم موافق هستم ولی بنده میگویم تاجر و غیر تاجر بنده و شما همه باید احترام خودمان را خودمان نگاه داریم عمل من باید مرا محترم نگاه دارد تا اینکه قانون نگاه دارد آنوقت راهش را هم باز بگذارند که کار غلط بکند و کلاه يك کسی را هم بردارد و بعد از آن اگر حرفی زدند بگویند احترامش را نگاه دارید شما آخر ملاحظه اشخاص را هم بکنید ملاحظه مردم را هم بکنید. شما فقط مورد کسانی را در نظر بگیرید که بدون سوء نیت آمده اند و يك چكي داده اند بخال اینکه طرف به آنها اعتبار می کند یا اعتبار پیشش دارند یا پول پیشش دارند و اتفاقاً چكشان پرداخته نشده است و اشتباه شده است در حسابشان. خوب این جا اگر چنانچه چكي را کسی برد و کسر داشت یا محل نداشت یا وارد پیش صاحبش که پولش را بگیرد و شما هم خودتان پرداختید و مدعی خصوصی نیامد بدلیه شکایت بکند که ما کاری نداریم اما هیچ نمی دانید که این را ما باز بگذاریم چند کلاه برداری می شود؟ (صحیح است) می فرمایند چند اشخاص کلاه بردارند؟ همیشه قانون را وقتی که مقنن می گذراند جنبه خوبش را در نظر میگیرد الا آن اصول محاکماتی که باعث اله آقای فومی و بنده هر دو شده بود چاست؟ کدام يك از نوادش هست که وقتی مقنن آن را وضع کرده بود برای این نبوده که واقعاً برای حفظ اشخاص لازم بوده است؟ اما يك عدده اشخاص از همان سوء استفاده می کنند. ایراد مرور زمان که بنده عرض کردم الا آن که لازم هست این ولی يك عدده هم از این سوء استفاده می کنند حالا باید حتی الامکان وضعیت را هم نگاه کرد يك تاجر که مقبر است وقتی که بخواند اعتبارش بیشتر باشد احتراماتش هم همیشه محفوظ باشد بعقیده بنده باید برود قبل از اینکه چك را بانک بفرستد تحقیق کند به بیند آیا در آن جا پول دارد یا ندارد اعتبار دارد یا ندارد و اگر این می احتیاطی را کرده آنوقت بایستی به تعقیب راهم بین خودش بمالد و لااقل

اگر ملت شد که برداشته شده فوراً برود و در دست
به آن آدم پردازد تا اینکه مدعی خصوصی مجبور نشود
برود بدلیه عارض بشود و شکایت بکند که آقا چک
دادند بمن ولی پولش را نمی دهند. خوب اگر این آدم
خودش حفظ احترام و توقیت خودش را نکرد گناه
ما چیست؟ بنده خیال می کنم که اگر آقا خودشان هم
توجه کنند این قضایائی که از چند ماه قبل باین طرف باعث
شد که بنده این قانون را آوردم و شکایاتی که عده از
اشخاص داشتند ببار که ما از اینکه کسانی چک داده بودند
بعد معلوم شد اعتبار ندارند و کلاه مردم را برداشته بودند
اگر این وضعیت نبود که بنده این قانون را نمی آوردم
بنده متوجه این شدم که اشخاصی که بی خیال این کار
انفاده اند و کلاه برداری می کردند اشخاصی بودند که
مثلاً پنج تومان باده تومان درست نظرم نیست برای اینکه
اشتباه نکرده باشم گویا ده تومان گذاشته است در بانک
ملی بعد یک دست چک گرفته است و دوپست سه صد تومان
چک صادر کرده است خوب حالا شما می فرمایید باین
آدم چه بکنیم آیا این کلاه برداری نکرده است؟ و ما با او
بگرویم احترام این باید حفظ شود و تمییز نکیم؟
(عده از نمایندگان -- خیر خیر) و وقتی هم که گرفتار
شد نباید نتیجه اعمالش را ببیند و بگوید که خوب
نداشته اند و نداده اند و باید از خودم بگیرد این جور؟
اینکه البته نمی شود (صحیح است) باید بعضی اعمال بقدری
نتیجه اش بد باشد که خود شخص دنبال آن نرود نه
این که وقتی تعقیب شد و گیر افتاد و گرفتار شد بگوید
خوب حالا خودم میدهم کاری نداشته باشید بنابر این اصل
آنوقت هر دزدی در هر خانه که دزدی کرد و گرفتار شد
وقتی دستش را گرفتند بگوید مال مردم را میدهم ولم
کنید و ولش کنید این خوب نیست (صحیح است) و بنده
باین ترتیب موفق نیستم و نمی شود (صحیح است)

رولس - آقا کاشف

کاشف - در این که صدور چک بلا عمل باید جرم شناخته شود
و صادر کننده باید تعقیب شود هیچ حرفی نیست و بنده
تصور میکنم که این اصل تا یک حدی بفتح تاجر است برای
اینکه تاجر فقط که صادر کننده چک نیست ممکن است

هستند که اغلب چک بانک میگیرند و لو بتاریخ ده روز
پنج روز دیگر و باین چک ممالاتی می کنند تا روز
وعده و این اصل هم بقیه بنده غلط است. خوب البته
در آن موقعی که چک صادر می شود در آن موقع صادر
کننده چک وجهی نداشته است و بعد خواهد رسانید این
هم یک مورد است که اگر جلوگیری شود یک قسمت از
ممالات را از جریان می اندازد و اگر جلوگیری نشود
که آنهم یک مقرراتی باید برایش وضع شود. و بهر حال
در شق (الف) حداقل جریمه را دوپست ریال قرار داده اند
که کمتر از آن نباید باشد البته در مورد چکهای بزرگ
دوپست ریال کم است ولی در مورد یک چک پنج تومانی
فرض فرمایند باده تومانی که ممکن است اختلاف حساسی
پیدا بشود یا تاجر یک محلی را رسانده است و هنوز بدقت
بانک وارد نشده است این دوپست ریال بقیه بنده زیاد
است و بایستی در هر حال بیشتر از مبلغ چک باشد این
جریمه هر قدر آن مبلغ باشد زیاده دیگر باشد و بنده
تصور می کنم روی هم رفته همان قسمت (الف) را
قبول فرمایند فعلاً که جریمه نقدی باشد کافی است و
اما در قسمت ب) که تعیین سوء نیت و محاکمه و حبس
باشد بنده این قسمتش را قائل نیستم و همان قسمت جریمه
نقدی را بنده معتقدم که فعلاً کافی است

وزیر عدلیه - آقای نماینده محترم مثل اغلب ما شروع کردند
باین که تصدیق کنند اصل مطالب را که ضرورت دارد و
باید جرم شناخته شود و ما باید کسی را که چک بلا عمل
صادر می کند بگرویم مرتکب یک عمل ممنوعی شده است
و مجرم است و بالاخره لازمه اش هم مجازات است بعد
آمدند و اینقدر مثل همه آقایان اما و اگر و ولی پشتش
آوردند که اصل موضوع را ازین بردند یعنی برگشتند
باین که این آدم یک جریمه ملایم و کمی بدهد و برود
نه آقا بنده اصلی را که جناب عالی خودتان عقیده دارید
و تصدیق دارید بهش معتقد هستیم و طوری معتقدم که تا
آخر هم دنبالش را بگیریم و میروم و در وسط راه هم
ولش نمی کنم. اولاً اینکه می فرمایند اگر یک کسی آمد
و یک اشتباه مختصری کرد و دوپست تومان چک داده بود
دو هزار تومان هزار تومان چک صادر کرده بود ده تومان

کسر داشت این آدم باید بیاید و جریمه بشود؟ بنده اولاً
عرض می کنم و این را که عرض میکنم بیچکس برنخورد
بهترین تربیات این است که انسان موقعی که یک جایی
چک میدهد باید حسابش را داشته باشد ببیند پول دارد
یا ندارد اگر ندارد ندهد (صحیح است) حالا آمدیم و
ما آدم بی بند و باری هستیم و حساب نگاه نمی داریم و
می خواهیم نگاه داریم یا نمی توانیم دقت کنیم آنوقت هم
بنده باز عرض میکنم که اگر این کسی که رفته است
بانک و پول بهش نداده اند آمد پیش شما و گفت که آقا
این پول چک را بمن ندادند و شما فوراً بهش دادید که
دیگر این بدلیه و پارچه مراجعه نمی کند و در قانون
هم نوشته است که جز شکایت مدعی خصوصی قضیه قابل
تعقیب نیست پس اگر شما چکی دادید کسر هم داشته او
آمد گفت اینقدر کسر داشت و خود چنانچه لطف
کردید کسرش را این که دیگر نمی تواند شکایت کند
حالا اگر آمدیم و کرد یعنی قبلاً شما مراجعه نکرد و
رفت شکایت کرد و به محض اینکه شکایت کرد شما پول
را فرستادید و گفتند این اصلاً بمن مراجعه نکرده بود
و حساب من هم آنقدر کسر داشته خوب این معلوم است
که اشتباه کرده است او را البته نمی گویند سوء نیت
داشته است حبس نمی شود اما میپرسم که جزای نقدی
هم از او نگیرند؟ خوب آدم وقتی خطی میکند در
زندگانی یک عواقبی هم دارد اگر شما پیش از آنچه
استند و دارید غذا بخورید منتقل میکنید طبیعت از برای هر چیزی
که برخلاف تربیت است یک ضامن اجرایی گذاشته است اگر
باشد شما بی احتیاطی کردید و از لب بام خیلی سرازیر
شدید ممکن است یا قید خوب اگر بی احتیاطی کردید و
چکی صادر کردید جریمه خواهید شد البته این در حال
است که سوء نیت داشته باشید آقا چرا یک چنین کسی را
که خودتان در ضمن بیان فرمودید کلاه بردار است
چرا یک همچو کلاه برداری را میگویند ما فقط در
مجازاتش بجزای نقدی قناعت کنیم که بعد هم معلوم شود
که پول ندارد آن وقت راحت برود بی کارش؟ خبر
باید حبس بشود و این کار را نکند. در ضمن ما نشان
فرمودند کسانی که می آیند و چک بتاریخ مؤخر صادر
میکنند. البته این عمل عمل خوبی نیست البته خود این

چک تاریخ بند صادر کردن بدست لکن از نقطه نظر این قانون اگر يك کسی چکی را بتاريخ پنج روز بعد صادر کرد و پنج روز بعد هم پول را داد این قابل تعقیب نیست چرا برای اینکه این قانون میخواهد آن روزیکه چک قابل پرداخت است آروز شما پول داشته باشید بر فرض هم که عمل اول عمل خوبی نبوده است ولی عجالاً چون يك قانونی نیست که این را اصلاح کند اشکالی نخواهد بود راجع به جریمه هم فرمودید که اگر بنایا باشد دو بیست ریال که ما گذاشتیم راجع به چک بزرگ باشد پنصت اما راجع به چکهای کوچک خیلی زیاد است خلاصه من همچو میفهمم که اگر آدم دوهزار تومان چک بی محل داد بدست تومان ارزش جزای نقدی بگیرند عیبی ندارد بلکه مقصود این بود عرض کنم بلاجه که مراجعه فرمائید خواهید دید اینها بشر میزان وجه چک محکوم خواهند شد اگر دوهزار تومان چک بی محل داد و سوء نیت هم در کار بزد و اشتباه کرده بود در بیست تومان جزای نقدی خواهد داشت آقا ما خواستیم این مجازات می فلسفه باشد گفتیم اگر کسی سی و پنج تومان چک داد و بی محل بود آنوقت حداقل مجازاتش بیست تومان باشد حالاً بفرمائید مجازات را ملایم تر کنیم فعلاً بنده مخالفم و خواهش میکنم بگفتند در دلائل بنده دقت فرمائید که شما هم با بنده همراه بشوید در قانون مجازات باید خیلی سخت باشد بعد وقتی که اخلاق عمومی عادت کرد بواسطه آن سختی که از آن عمل ممنوع الاجراء دید آنوقت بپوش بپوش می شود ملایمتر کرد نه اینکه از اول با هم قانون را خیلی ملایم کنیم قانون جزا اگر در مرحله اول خیلی ملایم شد هیچکس ارزش احتراز نمیکند، زمان هنوز نرسیده افلاً ده سال بیست سال دیگر لازم است

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده عرضم در قسمت اول این لایحه است که آقای وزیر عدلیه توضیحاتی دادند بقیه بنده اگر يك کسی چکی حواله کرد همانطور که خودتان فرمودید هزار تومان صادر کرد بعد معلوم شد هتصد تومان محل دارد دو بیست تومان را نمی دانست کسر دارد و اشتباه کرد اشتباه هم برای همه کس ممکن است

یش و باید بنده خیال میکنم خیلی اتفاق بیفتد برای اشخاصی که طرف محاسبه هستند حتی با بانک هم محاسبه دارند با بانک تجارتخانه دیگری هزار تومان چک صادر کرده است وقتی رفته است دیده است هتصد تومان هتصد و پنجاه تومان پشتر محل ندارد اولاً يك همچو آدمی که اشتباه کرده است از نقطه نظر عدالت هم اگر بخواهم تلفی کنیم اشتباه در همه جا ممکن است بشود این را فرض فرمائید يك جریمه بدهد باینکه سوء نیتی نداشته است برخلاف عدالت است ولی برای اشخاصی که سوء نیت دارند در مرحله دوم خود حضرتعالی جزای قائل شدهاید و بقیه بنده جزای خوبی هم هست که اگر کسی بدون محل حواله بدهد باید مجازات شود و جس هم باید بشود اما اگر يك کسی يك چکی داده است حقیقتاً متوجه نبوده است که این قدر محل ندارد ما باید این را در قانون یش بینی کنیم و او را از مجازات نقدی هم بگفتند معاف کنیم برای اینکه اصل خود این جزای نقدی هم يك تأثیری دارد باینکه نظر بنده این باشد که اگر يك کسی هزار تومان حواله کرد هتصد و پنجاه و نه تومان بود مثلاً یا زده تومان یا بیست تومان که يك حد معینی است بیست تومان شاید تأثیری نداشته باشد ولی اصولاً به عقیده بنده مجازات شدن يك اثر وصفی دارد بنده این عرضی که میکنم برای این است که در قسمت اول نظری فرمائید و یش بینی کنیم که اگر کسی اشتباه کرد دو روز سه روز ممکن است برای او ضرب الاجل قرار بدهیم که در ظرف دوروز مراجعه کند اگر چنانچه طرف مراجعه کرد و او تأدیه نکرد آنوقت این جزاء را برایش قائل بشویم والا قبل از این که باو مراجعه کند فرض کنید بنده يك چکی حواله داده ام هزار تومان ولی هتصد و پنجاه تومان محل داشتم و صد و پنجاه تومان اشتباه کردم و محل ندارم تا بخودم مراجعه کند ۱۵۰ تومان آنرا فوراً بگیرد ولی این شخص برای اینکه بخواهد يك آثار جزائی برای من قائل شود می رود شکایت میکند این خوب نیست گرچه جزای نقدی نری ندارد ولی اصولاً عمل بدی است چون من سوء نیتی ندارم و اشتباه کرده ام و يك همچو حواله را داده ام و اگر بخود من مراجعه کند پولش را

کسریش را فوراً میدهم این را در قانون خوب است یش بینی کنیم که اگر چنانچه فرض کنید دو روز سه روز گذشت و تأدیه نشد با مراجعه کرد و تأدیه نکردم آن وقت باید برایش جزاء قائل شد بنظر بنده حالا شاید هم درست نباشد و بنده اشتباه کرده باشم ولی آنچه دقت کردم این قسمت اخیر متوجه بند جبه است و آن قسمت بند دالنه این است که اگر چک بی محل کسی حواله داد باید مجازات شود به بیست تومان و محکوم هم شود اگر غیر از این است آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند و بنده هم قانع می شوم

وزیر عدلیه - بنده در ضمن توضیحاتی که قبلاً داده ام عرض کردم گویا توجه فرمودند آقا اگر کسی واقفاً اشتباه کرده است و سوء نیتی نداشته است که معمولاً آن کسی که چک را داشته میرود و پولش را از او بگیرد ولی اگر آمدیم قبلاً یعنی آن کسی که حواله با داده شده است خواست يك بدقی کرده باشد رفت شکایت کرد به محض اینکه طرف احضار شد و کسر پول را داد دیگر مدعی خصوصی نمیتواند دنبال او برود و وقتی که او تعقیب نکرد دیگر دعوائی نیست و جزائی ندارد پس بنابراین این جا اگر سهولت زیاد در کار باشد این اشکالات یش می آید اما اگر بنایا شد باین عنوان بخواهند راهی باز کنند که اشخاصی با سوء نیت هم از این راه بخواهند وارد شوند و سوء استفاده کنند بنده موافق نیستم و بقرین دارم آقایان هم موافق نیستند ولی معذراً پیشنهاد فرمائید در کمیسیون مذاکره شود ولی بین باعث این نشود که وقت مادر کمیسیون تلف شود و بنده در اصل این موضوع ایستادگی خواهم کرد (نمایندگان - کافی است. کافی است) (افسر - کافی نیست)

رئیس - چطور کافی نیست بفرمائید

افسر - بنده مقصودم این است که اغلب این قیل لوابیح را مادر کمیسیون عدلیه میکنند بنده چون بعضی مطالب بود که اختلاف نظر و عقاید خیلی درش مداخلت دارد این بود که خواهش کردیم که بمجلس باید و هنوز عراضی ما گفته نشده است و خیلی از آقایان

کافی نمیدانند و بالاخره از فرمایشات آقایان معلوم میشود بین چک و حواله فرق نمیکذارند اگر باید فرق گذاشته شود باید اصطلاح خاصی شود بهر حال ما کافی نمیدانیم و عرض داریم (بعضی از نمایندگان - رأی بگیرد) رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید (عده قلبی برخاستند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست. آقای افسر افسر - اولاً خود بنده فرق بین حواله و چک را درست نمیدانم و خیال میکردم که عیب است ولی معلوم شد آقایانی هم که سالها است تجارت دارند نمیدانند مثلاً کراتی که در کمیسیون بود و آقای وزیر عدلیه هم میفرمودند معلوم شد که بطور مسلم چک يك مطالب دیگری است و حواله مطالب دیگری این جور میفرمائید (کازرونی - یکی است) (وزیر عدلیه - خیر فرق دارد)

رئیس - بفرمائید آقا

افسر - آن آقای کازرونی که سالهاست دارد تجارت میکند نمیدانند که فرق مابین چک و حواله چیست یعنی حواله و چک را مثل هم میدانند عرض میکنم اصطلاح این هنوز درست معلوم نیست یکی خیال میکند چک و حواله مثل هم هست خیلی ها خیال میکنند که اگر چایی است چک است و اگر خطی است چک نیست یا بگوید آقای کاشف چک صندوق یا چک غیر صندوق فرق دارد بقیه بنده از همه لازم تر بیان اصطلاح آن است و بنظر بنده لازم است که معلوم شود چک کدام است و حواله کدام است لآن خیلی از تجار معتبر هستند که چک ندارند و چه بسا از اشخاص متعارف هستند که يك دسته دوازده تالی چک در جیب شان دارند پس اول چیزی که لازم است بیان اصطلاح آن است که معلوم شود مقصود از چک چیست تاریخ اشتباه بشود خیلی از ولایات هم هست که چاپخانه ندارد و عنوانشان عنوان چک نیست دوم لفظ اعتبار است که اینجا نوشته اند که باید اعتبار داشته باشد آنچه میسر در طهران می شنویم هر کدام از بانکها همین معنی اعتبار را يك جور دیگری معنی میکنند یکی معنی حساب جاری یکی میگوید اعتبار متحرک یکی میگوید

حساب جاری باعتبار مخصوص یکی می گوید اعتبار تغییر نپذیر اینها هر کدام يك جور مضمی میدهد خلاصه اینکه لفظ اعتبار را هم خوب است معنی کنیم و تکلیفش را معلوم کنیم که بعد باشکالانی برنخوریم قسمت سوم این است که میگوئیم محل نداشته باشد باعتبار ممکن است الآن يك کسی متولی یا ناظر مال موقوفه باشد و مال موقوفه را اعتبار بگذارد در بانک ملی این را نمی شود گفت که اعتبار ندارد منتهی شرطی دارد و فرار گذاشتیم که يك تزیینی می بایست باشد که اگر پولهای در بانک گذاشته می شود برای کارهای مخصوصی مثلاً دو هزار تومان میگذارم در بانک که اگر آقای طاهری فلان معامله را کرد این دو هزار تومان را پایشان بدهد و خلاصه يك شرایطی دارد و اگر نخواهد که این اختلافات پیش بیاید باید در نظامنامه پیش بینی کند والا بقیده بنده باید در قانون پیش بینی شود که اختلافی پیدا نشود و سوء تعبیری هم نشود

وزیر عدلیه - بنده متوجه نشدم که چطور در ذهن بعضی آقایان بین چك و حواله هیچ اختلافی نیست و تصور میکنند که حواله و چك یکی است. قانون مدنی حواله را تعریف کرده است قانون تجارت هم چك را تعریف کرده است اینها را بایستی به آن قوانین رجوع کرد و معلوم هم نیست که در هر قانونی وقتی يك کلمه در قوانین سابق تعریف شده است دومین بار بیاید و تعریفش کنند اگر آقایان میل دارند که فرقی بین آنها بگذارند مراجع کند قانون تجارت و قانون مدنی و موادش را هم عرض میکنم از ماده ۳۱۰ تا ماده ۳۱۷ آنوقت ملاحظه خواهید فرمود که چه چیز چك است و چه چیز حواله است (افسر - بسیار خوب) اما راجع باعتبار اعتبار که اینجا نوشته ایم بطور اعم است بنده این را در این جا توضیح میدهم برای اینکه قانون مقدم در موقع عمل همین معنی تعبیر شود ممکن است يك کسی در پیش بانک اعتبار داشته باشد شخص بانکی یعنی بانک باو نوشته باشد که من از برای شما تا فلان وقت ده هزار تومان بیست هزار تومان اعتبار بازمیکم تا این میزان هر چکی که بدهی قبول میکنم و پرداخت خواهد شد و ممکن هم هست که اعتبار یعنی معولی کلمه باشد يك اعتباری آنجا داشته باشد که وقتی نوشت

و لو اینکه پولی هم نداشت آنجا و لو اینکه همچو نوشته ام بهش نوشته اند که شما همچو اعتباری پیش ما دارید ولی اعتبار بهش بکنند و بدهند ولی ضمناً اینجا عرض میکنم که اگر رفتند و نداد این دلیل بر این است که اعتبار نداشته است حالا نگویید من که آن میگویم اعتبار دارم و بنا بر این مشمول این قانون نمی شوم نه این دیگر قبول نیست و اینکه آنجا اعتبار داشته یکی از دو معنی است که آن را پردازند مخصوصاً یعنی دوم بجهت این که اگر بانکی بمن نوشته باشد که شما ده هزار تومان اعتبار پیش من دارید بنده چکی بدهم و بانک پردازد مشمول این ماده نیستم برای اینکه بانک بمن این اعتبار را داده است حالا اگر او آمده است و برخلاف تعهدی که کرده است که پرداخت وجه باشد در مقابل حواله من کاری کرده است و نداده است این گناه من نیست. اما اگر بنده خودم را يك آدم معتبری بدانم و خیال کنم که خوب حواله بدهم فرض بیست تومان سی تومان هم زیادتر باشد بانک رد نخواهد کرد میدهد ولی رفتند آنجا و بانکنداد بنده نمی توانم بگویم آقا باید تحقیق کنید ببینید که من حقیقتاً آدم معتبری هستم اعتبار دارم مشمول این ماده و قابل مجازات نیستم که این نمی شود دیگر و ناخواهم اگت شما روی خیال خودتان عمل کرده اید بعضی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهادت فرانت میشود :
 پیشنهاد آقای دکتر طاهری :
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده واحده قسمت (الف) حذف شود
 پیشنهاد آقای و کبلی :
 این بنده پیشنهاد میکنم که در آخر قسمت (ب) اضافه شود : صدور چك باناریخ مؤخر ممنوع است
 رئیس - آقایانی که ورود در شور دوم لایحه را تجویز مینمایند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) و در پی شد [۵ - شور اول لایحه تعیین تکلیف امور قضائی ارستان]
 رئیس - خبر کمیسیون عدلیه راجع اداره کردن امور قضائی لرستان مطرح است.

لایحه نمره ۵۸۶ و ۸۶۵ دولت راجع امور قضائی و اداری لرستان در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند بالاخره کمیسیون بنامه واحده ذیل موافقت و اینک راپورت آنرا برای شور در مجلس مقدس شورای ملی تقدیم میدارد :
 ماده واحده - دولت مجاز است برای امور قضائی و اداری لرستان بجای قوانین عادی - باستثنای قوانین مجازاتی و قوانین ثبت در آن قسمتی که مربوط به ترتیب ثبت املاک و رسمیت اسناد است نظامنامه های تدوین کرده و بموقع اجرا گذارد. سه سال پس از تاریخ اجرای این قانون قوانین عادی بقوت خود برخواهد گشت

این قانون از یازدهم تیرماه ۱۳۱۲ بموقع اجراء گذارده می شود

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که آن لایحه را که دولت آورده بود بقیده بنده خیلی جامع بود و این اصلاحی را که کمیسیون کرده و باین صورت درون آورده است خوب نیست و یکی این قانون را خراب کرده است لایحه دولت در تحت سه ماده بود و جاهایش را نیز داده بود کمیسیون برداشته است آنچه که حرف حساب نویسنده بوده است حذف کرده است و يك چیز بی معنی نوشته است که دولت مجاز است در ظرف سه سال نظامنامه های وضع کند بقیده بنده این فکر بدون مطالعه بوده است اگر این لایحه دوشوری نبود بنده در اینجا عراضم را عرض میکردم ولی حالا چون دو شوری است عقیده ام این است که در کمیسیون باز اصلاحاتی بشود و از این سوء تعبیر جلوگیری شود عرض دیگرم این است که اگر بخواهند این قانون قانونیت پیدا کند باید نظامنامه های که برای این قانون وضع می شود پس از تصویب هیئت دولت و کمیسیون عدلیه بموقع اجرا گذارده شود پس بهتر این است که همان سماده دولت را قبول کنیم و این يك ماده مبهم بی سر و تیرا حذف کنیم و هر قدر هم آقایان بخواهند برای بنده استدلال کنند که ما خواستیم که يك اختیارات سر بسته بدولت بدهیم بنده زیر بار نمیروم و باین ماده عقیده ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده موافقت ؟
 شریعت زاده - بلی
 رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - راجع باصل لایحه همکار محترم بنده مخالفی نکردم ولی توضیحاتشان دالر بود باینکه در لایحه دولت مطالب مفید و مؤثری نوشته شده بود که این جا حذف شده بهتر این بود که میفرمودند آن مطالب مؤثر چه بوده است تا اینکه اعضاء کمیسیون دلالت حذف آن را عرض کنند بنظر بنده چیز مؤثری حذف نشده است در لایحه يك اصولی معین شده بود برای تعیین هیئت عالی برای رسیدگی نظر باین که وضیت آن جا يك وضیتی بوده است که دولت در ضمن جریان عمل و آزمایش آنچه تشخیص داد و مصلحت دانست بر طبق آن نظامنامه های تهیه میکند باین جهت کمیسیون هم اختیار داشت که بر طبق اختیارات خود مطابق تشخیص آن وضیتی که موجب پیشنهاد آن لایحه بوده است آن مقررات را موکول کند بنظامنامه حالا اگر نماینده محترم لازم میدانید آن قسمتی را که مربوط است به تعیین هیئت حاکمه و اصولی که راجع است برسدگی استثنائی آن را پیشنهاد فرمایید اشکالی ندارد

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - کلیه سبک و سیره کمیونتهای مجلس این بوده است که لوایحی را که دولت تقدیم میکرد همیشه کمیسیونها سعی میکردند که آن لوایح روشتر و مفصلتر باشد و برای اینکه در موقع اجراء دچار اشکال نشود بحث میکردند و جاه میزدند که وقتی که لایحه می آمد بمجلس مطلب کاملاً روشن و واضح بود ولی اینجا دولت يك لایحه برای این کار در تحت سماده پیشنهاد کرده و يك مراحلی برای این قانون قائل شده است و يك وسامی برای حفظ حقوق مردم فراهم کرده است کمیسیون آمده است و تمام آن قسمت ها را حذف کرده است و گفته است که دولت يك نظامنامه های بگذرانند که بعد آن نظامنامه ها را بموقع اجرا بگذارد و تمام آن مراحلی که دولت در نظر گرفته حذف کرده است باین جهت بنده مقدم که لایحه تقدیمی بمراتب بهتر از خبر کمیسیون است

و همان لایحه را مطرح کنیم بهتر است و بعد اگر پیشنهادی هست می‌رود بکمسیون و در کمسیون شور می‌شود از این جهت بنده باین لایحه مخالفم و عقیده‌ام این است که همان لایحه دولت مطرح شود.

ولیر عدلیه - بنده تصور میکنم این يك توضیح و بحث زیادی لازم ندارد لایحه را که دولت پیشنهاد کرده بود بررسی بود که آقایان ملاحظه فرمودید در يك قسمت‌هایی هم لایحه قدیمی که از نظر کمسیون گذشته اصول کار را از حیث استیناف و تمیز که بطور تشکیل می‌شود و حد اقلش چطور است و اینها در نظر گرفته بود بعد در کمسیون آقایان آمدند و يك دلالی اظهار کردند که این قسمت‌ها ضرورت ندارد و البته ما هم از نظری که اول داشتیم برنگشیم و این شکلی هم که آقایان پیشنهاد کردند مضر نیست حالا اگر آقایان قائل هستید که آنطور باشد پیشنهاد فرماید می‌آید بکمسیون و مورد بحث واقع می‌شود و همان صورت اولی را که دولت تقدیم کرده بود همان را در نظر میگیرند

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - موافقم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنده هم موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض میکنم بنده با حضور آقای وزیر عدلیه عرضم را تکرار میکنم دولت يك لایحه آورد که بنده ما خیلی از این خبر کمسیون بهتر بود و می‌خوانسیم روی آن لایحه عراضمان را مفصلاً عرض کنیم منتها اگر در بعضی جاهایش هم اشکالی بود مثلاً می‌توانستیم با موافقت نظر خود آقای وزیر عدلیه این هیئت حاکمه را از شان نخواهش کنیم که از قضات باشند و ایشان هم قبول میکردند و خیلی لایحه خوبی می‌شد و بخوبی از عهده این منظور برمی‌آمد مدتش هم سه سال بود و عیبی نداشت با می‌شد که علاوه کند که نظامنامه را پس از اینکه خودشان تصویب کردند و آورند در کمسیون عدلیه هم تصویب کنند ولی امروز این لایحه مخالف اصل مقصود است يك کاری

است که نرسد دارد و نه نه يك چیز کشداری است دولت حق دارد يك نظامنامه‌هایی وضع کند بنده نجب میکنم و از طرف اعضاء کمسیون عدلیه هم آقای مغیر و سایرین توضیحاتی ندادند که چه علت داشته است که آن مواد به آن خوبی را بهم بزنند و يك ماده کشداری بجایش پیشنهاد کنند بنابراین بنده عقیده‌ام این است که این لایحه از دستور خارج شود و عین لایحه پیشنهادی آقای وزیر عدلیه مطرح شود و مابقی آن اظهار نظر کنیم

وزیر عدلیه - جز با سطر آخر بیانات آقایان که بنده بماند از دستور خارج شود بنده با سایر بیاناتشان مخالفتی ندارم. عرض کنم ماده اولی که در لایحه دولت بود و بکمسیون آمد و تمام لایحه قرارداد آن را حالا آقایان سایر قسمت‌هایش را هم لازم میدانند البته مختارند می‌توانند آنچه را که لازم میدانند یا در همان حدودی که دولت پیشنهاد کرده است پیشنهاد فرمایند در کمسیون مطرح می‌شود در شور دوم ممکن است موافقت بکنند و بهمان ترتیبی که ابتدا دولت پیشنهاد کرده بود بمجلس و باید ولی ماده اول بنفید بنده امروز مطرح شود و اشکال زیادی هم ندارد و کمسیون هم اصراری ندارد که حتماً نظر خودش از پیش برود و باقی بماند کمسیون تصور میکرد که این طرز بهتر است آقایان تصور میفرمایند که آن طرز که دولت پیشنهاد کرده است بهتر است ممکن است همان را پیشنهاد فرمایند مابقی هم ندارد که بعد در کمسیون مجدداً صحبت کنیم و کمسیون را هم موافق کنیم که همان لایحه دولت را قبول کند و هیچ مانعی ندارد که آقایان پیشنهادی دارند بدهند برود بکمسیون در آنجا مطالعه شود.

رئیس - پیشنهادها خوانده میشود

پیشنهاد آقای احتشام:

بنده پیشنهاد میکنم لایحه قدیمی دولت بجای خبر کمسیون مطرح شود

پیشنهاد آقای روحی

پیشنهاد میکنم بجای لایحه فعلی اصل لایحه پیشنهادی دولت مطرح شود

رئیس - عرض کنم که خاطر آقایان مسبوق است که

وقتی که لایحه را کمسیون قبول کرد و داد بمجلس اصل او می‌شود آنوقت پیشنهادات بر او وارد می‌شود و بنده نمی‌توانم پیشنهادات را اینطور تفسیر کنم که آن لایحه اولی را مطرح بکنیم این است که این پیشنهاد هم مثل سایر پیشنهادها می‌رود بکمسیون عدلیه و همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند مورد مطالعه واقع می‌شود (صحیح است) آقایانی که با ورود در شور دوم این ماده واحد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

تصویب شد

۷- شور اول لایحه تعیین تکلیف طلب صاحبان مهمانخانه‌ها از مشتریان

رئیس - خبر کمسیون قوانین عدلیه راجع باشخاصی که در مهمانخانه‌ها محاسبه پیدا میکنند قرائت می‌شود

خبر کمسیون

لایحه نمره ۸۸۲۲ دولت در کمسیون قوانین عدلیه با حضور آقای وزیر محترم عدلیه مورد شور و مذاقه واقع پس از مذاکرات لازمه در اطراف مواد لایحه بالاخره با اساس آن موافقت حاصل و علیهذا با جزئی اصلاحی که شده است و ابرت شور اول آنرا تقدیم میدارد:

ماده اول - صاحبان مهمانخانه و پاسیون و جاهای مانند آن حق دارند مادام که واردین بدهی خود را از بابت قیمت غذا و کرایه منزل نپرداخته‌اند از خروج اشیاء و اثاثیه متعلقه باشخاص مزبور جلوگیری کنند.

در مورد این ماده مأمورین نظمیه حق توقیف اشیاء مذکور را بتقاضای صاحب مهمانخانه یا پاسیون خواهند داشت. هر گاه معلوم شود که اشخاص فوق بدون علت توقیف اسباب و یا اثاثیه وارد یا مسافر را تقاضا کرده و با مانع خروج آنها شده‌اند بمجربان خسارت مالی وارد یا مسافر و بملاوه مجزای نقدی از ۵۰ تا ۱۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

ماده دوم - هر کس در مهمانخانه یا رستوران و جاهای مانند آن وارد شده و پس از بینونه یا صرف غذا یا استناد داشتن مالی از تأدیه کرایه منزل یا قیمت غذا خورداری

نماید علاوه بر حکومت حقوقی بحسب تأدیهی از هشت روز تا پانزده روز محکوم خواهد شد.

رئیس - مذاکره در کلیات است. آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا - البته فکری را که دولت در اینموضوع صکرده‌اند خیلی بموقع و بجای بوده است اشخاصی وارد مهمانخانه‌ها میشوند و موقعی که میخواهند بروند اسباب و اثاثیه خودشان را میبرند و البته قانوناً هم که صاحب مهمانخانه حق توقیف اثاثیه آنها را ندارد و این يك ارفاقی است بصاحبان مهمانخانه‌ها ولی در عین حال خوب بود که دولت مخصوصاً آقای وزیر عدلیه راجع باشخاصی هم که وارد مهمانخانه‌ها میشوند يك توجهی مبذول فرمایند که صاحبان مهمانخانه‌ها هم در حق آنها تعدی نکنند چنانچه غالب آقایان مسبوقند که صاحبان مهمانخانه‌ها هم نسبت بواردین خیلی تعدی میکنند يك مسافر که وارد مهمانخانه میشود و چند شب در آنجا میماند البته ترتیب این است که در موقع ورود قیمت اجناس را میبرند کرایه اطلاق را میبرند قیمت اغذیه را میبرند و بالاخره يك مبلغی قطع میشود ولی روزی که میخواهند حرکت کنند صاحب مهمانخانه و رستوران برایش يك صورتی مینویسد آنوقت بدهد میشود که علاوه بر صورت يك مبلغی هم بعنوان سرویس از مسافر میگیرند و صورت را هم مطابق دلخواه خودشان مینویسند و حقیقتاً این يك نوع تعدی است بمسافرین که ناچار هستند در يك محلی وارد شوند منزل شخصی و علاقه هم که ندارند و مجبورند بروند بمهمانخانه یا اشخاصی که مجبورند برای تفریح و سیاحت و رفع بیکاری بروند و یکساعت بنشینند آنجا و قتیکه حساب میکنند چای را بیکتران و بستنی را دو قران ارزش میگیرند و این بیچاره هم مجبور است که بدهد و این عادلانه نیست بنده عقیده‌ام این است که اگر ممکن است يك تبصره هم در اینجا ذکر شود که بلدیه هر محل مکلف است که نسبت به قیمت اغذیه و سایر قسمتهای مهمانخانه‌ها يك ترتیب صحیح بدهند که نسبت بمسافرین و واردین هم تعدی نشود و يك تبصره هم بنده حاضر کرده‌ام که تقدیم میکنم که البته در

کمسیون مطرح میشود و آن این است که بلدیہ های هر محل مکلف هستند که نظامنامه مالی راجع به قیمت اغذیه مهمانخانه ها و رستورانها تنظیم نموده و بموقع اجرا بگذارند در صورتیکه در کمسیون مطرح شود و آقای وزیر عدلیه هم موافقت فرمایند تصور میکنم که از این اقدامات هم جلوگیری میشود

وزیر عدلیه - خوب بکنظری است که اظهار میفرمایند البته قابل مطالعه است پیشنهادی هم که کرده اند البته در کمسیون مطالعه میشود.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده میخواستم يك تذکر مختصری بدم

و آن این است که بنده عقیده ام این است که این قانون اعم است و اختصاص بشهرها آنها ندارد چون در بین راه ها هم خیلی رستورانها و مهمانخانه ها است که مسافرین وارد میشوند در قانونم ذکر شده است مهمانخانه ها و پانسیون و جاهای مانند آن آنوقت این مشمول این کالک ها و قهوه خانه های بین راه هم میشود بانه بنده خواستم تذکر بدم که اگر موافقت میفرمایند اینقسمت را شامل نشود و اختصاص بشهرها داشته باشد که موجب مزاحمت مسافرین نگردد.

وزیر عدلیه - در بادی نظر بنده نمیتوانم موافقت کنم با آقا برای اینکه در راهها این خطر بیشتر است يك مسافری میاید و میرود در یکی از مهمانخانه ها و چند وقت در آنجا میماند و بعد پول صاحب مهمانخانه ها را نمیدهد و میخواهد راه بیفتد و بنده هم عقیده ام این است که اول باید آنها را در نظر گرفت بعد شهرها را و البته چنانچه در اینموضوع پیشنهادی دارید میدید میاید بکمسیون و در آنجا صحبت میکنیم

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - اینجا در یکقسمت ماده يك نوشته اند در

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود
ماده اول - صاحبان مهمانخانه و پانسیون و جاهای مانند آن حق دارند مادام که واردین پدھی خود را از بابت قیمت غذا و کرایه منزل پرداخته اند از خروج اشیاء و اثاثیه متعلقه باشخاص مزبور جلوگیری کنند
در مورد این ماده مأمورین نظریه حق توقیف اشیاء مذکور را بقاضای صاحب مهمانخانه یا پانسیون خواهند داشت هرگاه معلوم شود که اشخاص فوق بدون علت توقیف اسباب و یا اثاثیه وارد یا مسافرا قاضا کرده و یا مانع خروج آنها شده اند بجزای خسارات مالی وارد یا مسافر و بملاوه بجزای قندی از (۵۰) تا (۱۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد

رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

(شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت آخر ماده اول از کلمه (بجزای) بعد این قسم اصلاح شود: علاوه بر جبران خسارات مالی وارد یا مسافر بجزای قندی از ۵۰ تا ۱۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد

رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - هرکس در مهمانخانه یا رستوران و جاهای مانند آن وارد شده و پس از يتونه باصرف غذا باستاناد نداشتن مالی از تادیه کرایه منزل یا قیمت غذا خود داری نماید علاوه بر محکومیت حقوقی بچیس تأدیبی از هشت روز تا پانزده روز محکوم خواهد شد

رئیس - نظری نیست؟ آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اینجا در ماده اول و دوم موضوع را

صرف غذا و کرایه منزل قرار داده ممکن است آن شخص که وارد مهمانخانه می شود صرف غذا نکرده باشد قروض دیگری هم دارد آیا آنها هم مشمول می شود؟ ممکن است جای خورده باشد یا چیزهای دیگری خورده باشد

وزیر عدلیه - البته مقصود هر چیزی است که در اینجا مصرف کرده باشد ممکن است آقا پیشنهاد فرمایند مادام کمسیون در نظر خواهیم گرفت

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای طباطبائی دیبا (شرح ذیل خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی، پیشنهاد مینماید تبصره یا ماده الحاقیه - بلدیہ های هر محلی مکلف هستند باقتضاء محل و وقت نظامنامه ای راجع بشمین قیمت اغذیه و مساکن در مهمانخانه ها و رستورانها و مانند آن تدوین و بموقع اجرا بگذارند

رئیس - پیشنهادی هم که آقای مهدوی در ماده اول کرده اند می بایستی قرائت شده باشد ولی ضمیمه میکنیم و می رود بکمسیون آقا باینکه با ورود در شور دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

۸- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - کارهای ما خانه یافت و ترصد داریم که کمسیونها دائماً برای ما کارها را تدارک کنند با انتظار وصول کارهای دیگر کمسیون عدلیه و شور دوم این سه لایحه جلسه را روز یکشنبه یازدهم تیر سه ساعت قبل از ظهر تعیین میکنیم

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه اجرای لوایح قانونی و تشهادهای وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرده و مینماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده تا آنجا برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. لوایح مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور و اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع به کمیسیون بدهند و شور دوم بدواز انقضاء هشت روز بعد آید. این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهارم تیرماه یکهزار و سیصد و دوازده شمس تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر